



سفر به دریای شعر، با قایق داستان

● جعفر ابراهیمی (شاهد)

به دریای کوچکی که دارد قطره قطره بزرگ می‌شود!

نامه‌ات دیرتر از آنچه فکرش را می‌کردم، به دستم رسید. اما بالاخره رسید. شاید در این مدت، خیلی با خودت کلنجار رفته باشی. شاید من خیلی تند رفته بودم. اصلاً یادم نیست چه چیزهایی نوشته بودم، اما کم کم داشتم از جواب نامه‌ات ناامید می‌شدم. البته، توی این نامه هم هیچ توضیحی نداده بودی. تنها یک سلام و یک شعر و یک خندانگهدار. اما من همه خطوط سفیدش را خواندم و حالا خوشحالم. خیلی خوشحال. تو حالا از یک سد بزرگ گذشته‌ای: خودخواهی. و این اولین قدم است. اولین قدم برای ورود به دنیای شعر، گذشتن از همه آن چیزهایی است که خود درون آرزویش را دارد (بخشی از نخستین فصل کتاب دریای عزیز) کتاب دریای عزیز، داستانهایی است درباره شعر و شاعری. نویسنده کوشیده است تعریف‌هایی را که بزرگان شعر و ادب جهان درباره شعر ارائه داده‌اند، در یک مجموعه گردآوری کند و در قالب داستان، به جوانان و نوجوانان و شاعران مبتدی آموزش دهد. درحقیقت، هدف اساسی این کتاب، روشن کردن این دو مبحث است:

- شعر چیست؟
- شاعر کیست؟

این داستان سه شخصیت اصلی و کلیدی دارد. یکی از آن سه شخصیت، استاد نصر است که در یک مرکز فرهنگی و هنری کار می‌کند و نوجوانان را از طریق نامه‌نگاری، در زمینه شعر آموزش می‌دهد.

شخصیت دیگر، دریاست که دختری ست شاعر. در شهرستان زندگی می‌کند و شاگرد استاد نصر است. شخصیت سوم، راضیه است که او نیز یک دختر شاعر است؛ شاعره‌ای روستایی. او نیز مثل دریا با استاد دورادور ارتباط دارد و از طریق نامه‌نگاری، از استاد آموزش می‌بیند. استاد نصر از طریق نامه‌هایش به این دو دختر، آن دو را با یکدیگر آشنا می‌سازد. دوستی صمیمانه‌ای بین دریا و راضیه (از طریق نامه‌نگاری)

برقرار می‌شود. این دوستان مکاتبه‌ای که یکدیگر را از نزدیک ندیده‌اند، آرزو دارند تا فرصتی مناسب پیش آید و آن دو بتوانند یکدیگر را از نزدیک ببینند. عاقبت این فرصت مناسب پیش می‌آید. یعنی از سوی همان مرکز فرهنگی که استاد نصر در آن کار می‌کرد، یک اردوی فرهنگی - هنری برای اعضای مرکز تدارک دیده می‌شود. دریا و راضیه، از شادی در پوست نمی‌گنجند؛ چون می‌دانند که در اردو همدیگر را خواهند دید و رو در رو با هم گفت و گوها خواهند کرد. آنها برای فرارسیدن روز موعود، لحظه شماری می‌کنند.

راضیه در اردو شرکت می‌کند، ولی موفق به دیدار دریا نمی‌شود. یعنی هیچ کس دریا را در اردو نمی‌بیند. ظاهراً او در اردو شرکت نکرده، ولی بعد از پایان دوره اردو، معلوم می‌شود که دریا هم به محل اردو آمده است، ولی چون راضیه را روی صندلی چرخدار دیده، به او نزدیک نشده و خود را نشان نداده است. راضیه در نامه‌هایش حرفی از معلولیت جسمی خود برای دریا ننوشته بود. استاد هم حرفی در این باره برای دریا نگفته بود و...

مدتی می‌گذرد و در این فاصله، شخصیت هر دو دختر شکل می‌گیرد و راه تکامل می‌پیماید. راضیه در روستایش، با مرد دلخواهش ازدواج می‌کند و خوشبخت می‌شود. دریا هم وارد همان مرکزی می‌شود که استاد نصر از آنجا برایش نامه می‌نوشت. درواقع، استاد بازنشست می‌شود و دریا به عنوان نیرویی تازه‌نفس، جای او را در مرکز می‌گیرد و به آموزش شاعران نوجوان (از طریق نامه‌نگاری) می‌پردازد. آنگاه می‌نشیند و از روی نامه‌هایی که او و راضیه و استاد برای همدیگر نوشته بودند، داستان این کتاب را بازسازی می‌کند. درحقیقت، نامه‌هایی را هم که در دست استاد و راضیه بوده است، می‌گیرد و با کنار هم گذاشتن نامه‌ها، داستان کتاب را شکل می‌دهد. داستان یا نامه‌ای از استاد آغاز می‌شود و بعد هم نامه‌های دیگر و داستان شکل می‌گیرد و...

این اسکلت کلی داستان است که نویسنده از آن، فقط به این جهت سود جسته است که نوشته‌اش خسته کننده نشود. چرا که کل کتاب را نامه‌هایی تشکیل می‌دهد که در آنها درباره شعر و شاعری و نگاه شاعرانه گفت و گو شده است.

تاکنون، نویسندگان زیادی در دنیا و نیز ایران، رمان‌هایی را با کنار هم گذاشتن نامه‌هایی نوشته‌اند که بعضی از آنها بسیار زیبايند و تازگی‌هایی خاص دارند و بعضی دیگر ضعیف و متوسط و خسته کننده‌اند و یا آنکه قوی و محکم‌اند، اما ناموفق. طبیعی است که نوشتن چنین داستان‌هایی، به مراتب مشکلتر از داستان‌ها و رمان‌هایی در قالب‌های دیگر است و نویسنده باید خیلی توانمند باشد تا بتواند از عهده کار برآید. از آنجا که داستان در این کتاب، اصلاً مهم نیست و بیشتر به عنوان ظرفی است برای ریختن محتویات کتاب و از آنجا که هدف اصلی کتاب، پرداختن به شعر و شاعری است، حرفی درباره معیارهای داستانی و روند حوادث داستان به میان نمی‌آوریم و می‌رویم سر اصل مطلب. اما یک مسئله زیبا در این کتاب وجود دارد که بد نیست

- عنوان کتاب: دریای عزیز
- نویسنده: آتوسا صالحی
- ناشر: نشر چشمه (کتاب باران)
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۸
- شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
- تعداد صفحات: ۱۰۳ صفحه
- بها: ۶۰۰ تومان

از آن رو که نویسنده کتاب در قالب یک داستان به مبحث شعر و شاعری پرداخته، به خودی خود نوعی زیبایی در کتاب ایجاد شده است.

این کتاب فقط برای مخاطبان شاعر و علاقه مند به شعر و شاعری مناسب دارد.

کسانی که دستی در شعر دارند و یا علاقه مند به آموختن عناصر شعری هستند، این کتاب را به دست خواهند گرفت و یا مریبانی که در مراکز فرهنگی و هنری کار می کنند و نوجوانان شاعر و نویسند را آموزش می دهند. کوتاه سخن، این کتاب فقط برای مخاطبان شاعر و علاقه مند به شعر و شاعری مناسب است.

و اما نقد محتوایی کتاب

این کتاب با آنکه برای شاعران و علاقه مندان به شعر و شاعری آموزنده و مفید است، اما یک انتقاد اساسی بر آن وارد است و آن این است که برای شاعران حرفه ای و برای کسانی که دستی در سرودن شعر دارند، چیز تازه ای ندارد. چرا که هر شاعری و هر کسی که اهل کتاب و ادبیات باشد، نظیر حرفه ایی را که در این کتاب درباره شعر و شاعری و نگاه شاعرانه آمده، اینجا و آنجا و در این کتاب و آن کتاب، قبلاً خوانده است. از طرف دیگر، این کتاب برای شاعران مبتدی و جوانانی که تازه به راه شعر و شاعری گام نهاده اند، کمی سنگین است. نویسنده، این پیش فرض را دارد که خوانندگان کتاب همگی، شاعران و اندیشمندان را که در این کتاب آورده است، می شناسند و بنابراین، اگر بگویید «ف» فوراً می فهمند که منظور فرخزاد است. در حالی که چنین نیست و نویسنده باید همیشه این فرض را در ذهن داشته باشد که خواننده ممکن است این تعریف و یا آن تعبیر سنگین را نفهمد و یا ممکن است با نام «هوراس» آشنایی نداشته یا اصلاً اسم اکتاویا پاز را نشنیده باشد بهتر بود که مثال ها از شاعران شناخته شده تر آورده می شد و یا درباره کسانی چون «هوراس» و «پیزون» و... شرح حالی در زیر نویس کتاب آورده می شد تا خواننده، اقلأ بفهمد که فلانی زن است یا مرد. مثلاً در صفحه ۹۸ اشاره به «در جست و جوی زمان از دست رفته» شده است، بی آنکه اشاره ای به نام نویسنده آن «مارسل پروست» شده باشد. همه خوانندگان واقعاً پروست را می شناسند؟ اگر شرح حالی می آمد مثل واژه نامه توصیفی بعضی اصطلاحات شعری - هنری در پایان کتاب، کتاب پربارتر می شد.

مثال هایی که نویسنده از شعر شاعران جهان آورده، گاهی خوب و بجاست، اما در مواردی آن شعرها شعرهایی قوی نیستند که به عنوان نمونه در کتاب آورده شوند. در میان آثار شاعران معاصر خودمان شعرهای بهتر و زیباتر از آنها وجود دارد که نویسنده می توانست از آنها به عنوان مثال استفاده کند. مثلاً مثالی که در صفحه ۶۲ از فروغ فرخزاد آورده شده، به مراتب بهتر و تأثیرگذارتر از شعر صفحه ۱۸ از ناظم حکمت است. ضمن آنکه ناظم حکمت، شعرهای خیلی زیباتری هم دارد. البته، قبول می کنم که شعر ناظم حکمت از باب

داستانی ندارد. دوم آنکه حرفه ایی نیما، در کتاب حرفه ایی همسایه، از خود اوست. نیما کوشیده است تا اندیشه ها و نظر خود را درباره شعر و شاعری و نیز راه تازه ای که در شعر گشوده است، بیان کند و از این طریق، شاعران نوپا را به سوی آن راه تازه رهنمون شود. در کتاب دریای عزیز، نویسنده بیشتر به حرفه ایی، نظرها و اندیشه های نویسندگان، شاعران و اندیشمندان جهان درباره شعر تکیه دارد. با این حال، این کتاب نیز ارزش های خاص خودش را دارد و ماخذ خوبی است برای علاقه مندان به شعر و شاعری.

پیش از هر حرفی، باید ببینیم مخاطبان اصلی این کتاب چه کسانی هستند و یا چه گروه های سنی می توانند از مطالب این کتاب بهره مند شوند. در کتاب، از گروه سنی جوانان یاد شده است و این می رساند که کتاب برای جوانان و بزرگسالان نوشته شده است. ولی جمله «شعر به زبان ساده» بر روی جلد کتاب و شناسنامه آن و نیز اشارات ناشر در مقدمه کتاب، نشان می دهد که مخاطبان اصلی این کتاب، فقط بزرگسالان و جوانان نیستند، بلکه شاعران تازه کار و نوجوانان نیز می توانند از این کتاب استفاده کنند.

نگفته پیدا است که کتاب های تخصصی، مخاطبان خاصی دارد. مثلاً همه مردم کتاب هایی را که درباره نجوم و یا ریاضیات چاپ می شوند، نمی خوانند و فقط گروه اندکی، از چنین کتاب هایی بهره مند می شود. این مطلب درباره کتاب دریای عزیز هم مصداق دارد. فقط

بدان اشاره شود. مولانا فرموده است: خوشتر آن باشد که سز دلبران

گفته آید در حدیث دیگران

از آن رو که نویسنده کتاب، در قالب یک داستان، به مبحث شعر و شاعری پرداخته، به خودی خود، نوعی زیبایی در کتاب ایجاد شده است مباحث شعر و شاعری، از زبان شخصیت های خیالی (اما واقعی و ملموس) بیشتر به دل می نشیند و شیرین تر می شود.

و اما بعد... از همه این حرفها که بگذریم، دریای عزیز، تحت تأثیر مستقیم کتاب حرفه ایی همسایه، اثر نیما یوشیج، بنیانگذار شعر نو فارسی، نوشته شده است. نیما در کتاب حرفه ایی همسایه، برای همسایه ایی خیالی، نامه هایی می نویسد و در آن نامه ها، حرفه ایی درباره شعر و شاعری مطرح می کند. یعنی اینکه مثلاً نیما همسایه شاعری دارد که شعرهایش را برای نیما می خواند و یا برایش می نویسد و نیما آن شعرها را بررسی کرده، رهنمودهایی به آن شاعر مبتدی می دهد و می کوشد او را در مسیر شعر راستین زمان معاصر بیندازد و نگاه امروزی در شعر را به آن شاعر بیاموزد.

صالحی نیز در کتاب خود، چنین کاری کرده است. اما دو تفاوت کلی بین کتاب حرفه ایی همسایه نیما و کتاب دریای عزیز وجود دارد. نخست آنکه نیما در نوشتن نامه ها شکل خاصی را رعایت نکرده است. هر نامه ای برای خودش مستقل است و با نامه های دیگر ارتباط چندانی ندارد و نیز کلیت نامه های نیما، روند

این کتاب برای شاعران مبتدی و جوانانی که تازه به راه شعر و شاعری گام نهاده‌اند، کمی سنگین است.

نویسنده، گاهی بعد از پایان هر نامه، یک شعر آورده که مناسبتی هم با حرف هائی که در نامه‌ها آمده است، دارد.

محتوای شعرش در آن صفحه آمده است و نه زیبایی شعرش.

حس می‌کنم که میز فاصله کاذبیست در میان گیسوان من و دست‌های این غریبه غمگین

حرفی به من بزن

آیا کسی که مهربانی یک جسم زنده را به تو می‌بخشد

جز درک حس زنده بودن از تو چه می‌خواهد؟

حرفی به من بزن

من در پناه پنجره‌ام

با آفتاب رابطه دارم.

فروغ فرخزاد (صفحه ۶۲)

نویسنده در انتخاب مثال برای بعضی از عناصر شعری، از میان شعرهای شاعران پارسی هم خیلی دنبال مثال‌های مناسبتر نگشته است. مثلاً در صفحه ۵۲ در بیان عنصر عاطفه در شعر، این مثال را از شاهنامه فردوسی آورده است که هم می‌توانست شعر مناسبتری از شاعران دیگر در اینجا بیاورد و هم شعر بهتری از فردوسی:

که را آمد این پیش کامد مرا

که فرزند کشتم به پیران سرا

نبیره جهاندار سام سوار

سوی مادر از تخمه نامدار

چو من تبست در گرد کیهان یگی

به مردی بدم پیش او کودکی

بریدن دو دستم سزاوار هست

جز از خاک تیره مبادم نشست

کدامین پدر هرگز این کار کرد

سزاوارم اکنون به گفتار سرد

به گیتی که کشته است فرزند را؟

دلیر و جوان و خردمند را؟

نویسنده در انتخاب تعریف‌هایی درباره شعر، از نویسندگان و شاعران بیگانه، گاه تعریف‌هایی را در کتابش آورده که معادل آنها در حرف‌های همسایه و یا آثار شاعران معاصر فارسی به وفور وجود دارد. مثلاً از زبان جبران خلیل جبران آورده شده است: «شعر عبارت است از مقدار زیادی شادی، رنج و سرگشتگی، به اضافه مقدار کمی لفظ و لغت».

این تعریف از شعر، شاید تعریف بدی نباشد، اما نظیر آن در کتاب‌هایی مثل «سکوی سرخ» و «هلاک عقل به وقت اندیشیدن» اثر یدالله رؤیایی به وفور وجود دارد. یا در بین حرف‌های فروغ در مصاحبه‌هایش و نیز در کتاب‌های براهنی و کتاب‌های آقای دکتر کدکنی مثل صور خیال در شعر فارسی، موسیقی شعر و...

بهتر بود که استاد نصر، گاهی شعرهایی خیالی از

راضیه و دریا را بررسی می‌کرد و درحین بررسی شعرها حرف‌هایش را می‌زد. همان کاری که نیما در حرف‌های همسایه کرده است. نویسنده هر جا که خود حرف زده و درباره نگاه شاعرانه نوشته، موفق‌تر است و کاشکی بیشتر این کار را می‌کرد و کمتر به مثال‌های شعر شاعران بیگانه می‌پرداخت.

مثلاً در صفحه ۴۹ می‌خوانیم:

«... اما خوب، یک سنگ هم حرف‌هایی برای گفتن دارد. یادم می‌آید یک بار که رفته بودم پیلاق، خانه‌مان کنار یک کوه بود. من یک بار با یکی از سنگ‌های کوه حرف زدم و حتی پیشش گریه کردم و در آخر دیدم که سنگ هم با من گریه می‌کند. سنگ به من گفت: «من تو را درک می‌کنم.» و حالا من فکر می‌کنم که یک سنگ یک بار مرا فهمید؛ اما من هنوز نتوانسته‌ام درد و رنج‌های کسی را به درستی بفهمم. آیا واقعاً زنده‌ام؟ من فقط زمانی که شعر می‌گویم، واقعاً احساس زنده بودن می‌کنم و زمانی که شعر می‌خوانم.» و یا در صفحه ۵۱ که نویسنده درباره عاطفه شعری حرف می‌زند، بسیار موفق است؛ موفق‌تر از مثال شعری شاهنامه. بخشی از مطالب این صفحه را با هم بخوانیم: «اگر شعر را به انسانی تشبیه کنیم، عاطفه در این انسان، نقش قلب را بازی می‌کند. خون را در رگ‌هایش به جریان می‌اندازد و او را زنده نگه می‌دارد. رمز جاودانگی شعرهای ناب هم در همین عنصر است. عواطف واقعی و موثر، طول عمر شعر را زیاد می‌کند و

شعر را از مرگ و پوسیدگی نجات می‌دهد... عاطفه در واقع سایه‌ای از من شاعر و نتیجه چگونگی برخورد شاعر با جهان بیرونی‌اش است...» نویسنده، گاهی بعد از پایان هر نامه، یک شعر آورده که مناسبتی هم با حرف‌هایی که در نامه‌ها آمده است دارد؛ اما گاهی، شعرها بدون هیچ دلیلی آورده شده است و کمکی به تفهیم بیشتر حرف‌های نامه نمی‌کند. مثل شعر صفحه ۹۵ از شاملو و یا شعری که در صفحات ۴۰ و ۴۱ از پروین اعتصامی آورده شده است که ارتباط خاصی با حرف‌های نامه‌های آن صفحات ندارد. نویسنده حتی اگر به تحلیل شعرهای شاعران بنام معاصر می‌پرداخت، منظورش بهتر برآورده می‌شد.

در پایان با تأکید بر این نکته که کتاب با همه کاستی‌هایی که ذکرش رفت، کتاب خوب و مفیدی است، به بعضی غلط‌های چاپی و ویرایشی آن اشاره می‌کنیم: ص ۱۶ «همه کاشفی‌های ما» که «همه کشف‌های ما» درست است.

ص ۷۰ «راهی که برایت همواره کرده‌اند» که «همواره» درست است.

ص ۲۴ و چند مورد دیگر: دریای «طوفانی» که درست آن «توفانی» است.

ص ۶۴ «سخنرانی طول و دراز راه بیندازی» که «طول» درست نیست.

در صفحه ۷۲، «حرف‌های همسایه نیما»، «نامه‌های همسایه» آمده است.